

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

زمان: پنجشنبه‌ها ۱۴ مردادماه ۱۴۰۰

عنوان: شورای عالی شهرسازی و معماری (جایگاه، وظایف، اهداف)

اعضای میزگرد: محمد سعید ایزدی، امیر فرجامی، مسعود حمزه‌ای و محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها

محمودی: سلام عرض می‌کنم خدمت عزیزان خصوصاً جناب آقای مهندس امیر فرجامی، جناب آقای مهندس مسعود حمزه‌ای و جناب آقای دکتر محمد سعید ایزدی که قبول کردند در نشستی دوباره دورهم باشیم و این بار در خصوص شورای عالی شهرسازی و معماری صحبت کنیم، سه بزرگواران که تجربه‌ی بسیار بالایی در این شورا دارند، مسئولیت‌های مختلفی داشتند و مصوبات بسیار زیادی تحت نظر شما بزرگواران انجام شد چه از طرح جامع‌ها، چه از طرح تفصیلی‌ها و چه از قوانین، ضوابط، آیین‌نامه‌ها و معیارها که در تمام شهرهای ایران استفاده می‌شود.

دوست داریم در مورد تجربیات بسیار بالایی که دارید در این نشست خصوصاً از نظر اهداف، جایگاه و وظایف شورای عالی شهرسازی صحبت کنیم اگر موافق باشید. اولین سؤال را این‌گونه مطرح کنیم که شورای عالی شهرسازی که در تهران (پایتخت) و در وزارتخانه بوده است اگر به‌جای مرکزیت، در جاهای دیگر در استان‌ها یا شهرها برگزار می‌شد و اختیار تمام داشت آیا بهتر بود یا بدتر؟ شاید هر کدام از شما بزرگواران قسمت‌هایی را بگویید خیلی بهتر بود قسمت‌هایی را بگویید نه باید مرکزیتی داشته باشد، منظور من این نیست که الان هم در استان‌ها داریم ولی نتیجه‌اش می‌آید در شورای عالی شهرسازی، کاملاً اگر جدا بود چطور شروع می‌کردیم؟ بهتر بود یا بدتر؟ آقای مهندس فرجامی در خدمت شما هستیم.

فرجامی: من هم سلام عرض می‌کنم خدمت دوستان عزیزم و تشکر می‌کنم از شما بابت این رویه‌ای که دارید و در هر فصل موضوعی را مطرح می‌کنید و ما هم در خدمتتان هستیم، آقای دکتر محمودی الگویی که احتمالاً شما در ذهن دارید ما با آن خیلی فاصله داریم یعنی اگر الگوی کشورهای دیگر مدنظر است ما با آن مدل و ساختار خیلی فاصله داریم و الگوها مربوط به جاهایی هستند که قوانین و تشکیلات خاص ایالاتی دارند و حتی پارلمان‌های ویژه دارند و خیلی تفاوت داریم، شاید درست باشد که کم‌کم به آن سمت برویم ولی فعلاً با آن وضعیت ما بسیار فاصله داریم، همین الان هم براساس مصوبات بعضی از طرح‌های توسعه عمران و طرح‌های شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر که درصد خیلی بالایی از شهرهای ما هستند، مصوبات شورای عالی تصویب طراحی‌های جامعه‌شان در شورای برنامه‌ریزی استان‌ها انجام می‌شود. البته طبیعتاً در چارچوب سیاست‌های شورای عالی این اقدام انجام می‌شود ضمن اینکه برای بقیه طرح‌های توسعه‌ی عمران تقریباً وقتی به شورای عالی می‌آید فرایندی پیش‌بینی شده است. کماکان از شورای برنامه‌ریزی استان، نهادهای محلی، شهری عبور می‌کند اما مرجع تصویب نهایی، شورای عالی است و متأسفانه در استان‌های ما الان شرایط به‌گونه‌ای است

که اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم در بیشتر استان‌ها اختیار دست استاندارهای مختلف و ساختار شورای برنامه‌ریزی استان است. مقررات و قوانین موجود و این هم‌جواری اختلاف سطح بین استاندار و مدیران که در شورای برگزاری استان‌ها قرار دارند است، اختلاف سطح‌شان به‌گونه‌ای است که معمولاً در شورا حرف اول و آخر را استانداران می‌زند و با توجه به نگاهی که معمولاً در وزارت خانه‌های کشور و استانداری‌ها وجود دارد بیشتر نهادهای سیاسی و نکات سیاسی امنیتی بیشتر مدنظر است و به خاطر این تفاوت بین سطح اداری با اعضای شورای عالی، واقعیت است که مصلحت نیست در این ساختار این نگاهی که شما دارید به استان‌ها واگذار کنیم، چراکه اگر کمی جلوتر برویم شورای عالی مقداری وظایف خود را بیشتر در جهت تدبیر سیاست‌ها به‌طور دقیق و چهارچوب‌ها را اگر به‌طور کامل تحقیق کند در آن شرایط می‌توان گفت در این چهارچوب‌ها اختیارات بیشتری به استان‌ها داده شود. الان هم اغلب مسئولین این رویکرد را دارند ولی در شرایط فعلی این کار خیلی به مصلحت نیست.

محمودی: آقای مهندس به نکاتی اشاره فرمودید که هم اعتقاد دارید، شاید در آینده به آن سمت بروید. خوب است و نکات منفی هم اشاره فرمودید که الان اگر در شورای برنامه‌ریزی استان‌ها هم اختیاراتی در حد استان قرار گرفته است، سطح‌بندی صحبت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مانند شورای عالی شهرسازی نیست یعنی شورایی شهرسازی در یک معیار از همه‌ی ارگان‌ها و از همه‌ی وزارتخانه‌ها نظر می‌خواهد و در یک حد و اندازه و در یک سطح هستند و اشاره می‌کنید که اگر آنجا باشد یک مقدار وزنه‌ی استانداری یا وزارت کشور قوی‌تر می‌شود و آن حالت علمی و حرفه‌ای کم‌رنگ‌تر می‌شود من به این صورت برداشت کردم. آقای مهندس حمزه‌ای با توجه به سابقه‌ی بسیار بالایی که شما در خود وزارتخانه داشتید نظرتان چیست؟

حمزه‌ای: بنده هم عرض سلام دارم خدمت حضرت عالی، سرورانم جناب مهندس فرجامی و جناب دکتر ایزدی و اجازه می‌خواهم که با قانون تأسیس شورایی عالی شروع کنیم نمی‌دانم به اشتراک گذاشتن اگر باشد قانون تأسیس شورایی عالی شهرسازی و معماری همان‌طور که استحضار دارید ماده ۱ آن عنوان می‌کند، برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به‌منظور ایجاد محیط‌زیست بهتر برای مردم و همچنین به‌منظور اعتدالی هنر معماری ایران در شورای عالی شهرسازی تأسیس می‌شود و در ماده‌ی ۲ آن هم وظایفی را تعریف کرده است بررسی پیشنهادها لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی اظهارنظر نسبت به پیشنهادها لویج شهرسازی و مقررات مربوط به طرح‌ها، بررسی و تصویب نهایی طرح‌های جامع شهری و درنهایت تصویب معیارها، ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی آن است، موضوعی که مدنظر حضرت عالی است شاید بند ۳ وظایف شورای عالی باشد که قابلیت این را داشته باشد توزیع شود، بسته به اینکه مربوط به طرح جامع کدام یک از شهرها را مورد بررسی قرار می‌دهیم طبیعی است که امکان اینکه بیاید و در نهاد محلی مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد وجود داشته باشد. ولی موارد دیگر آن‌وقت ما سیاست‌های کلان را مورد بحث قرار می‌دهیم بدیهی است که این امکان بخش‌بندی کردنش نیست مگر اینکه ما بپذیریم که یک تعریف جامعی معمولاً داریم و عنوان می‌کنیم که شورای عالی شهرسازی و معماری بالاترین مرجع سیاست‌گذاری عرصه کالبد سرزمین است. این نهاد سطح خود را آن‌قدر بالا ببرد که فقط به سیاست‌های کلان بپردازد و بخشی از این وظایف را مثل تصویب طرح‌های جامع شهری در چهارچوب آن سیاست‌های کلان امکان این را داشته باشد که واگذار کند به حوزه‌های ریزتر مثل استان، در این حالت شدنی است ولی به‌هرحال ما نیازمند یک‌نهاد متمرکز برای انجام آن وظایف کلان و سیاست‌گذاری‌های کلان هستیم و طبیعی است که این امکان تفویض کل به اجزای کشوری وجود نداشت.

محمودی: آقای مهندس مطلبی که فرمودید و قانون تأسیسی که نشان دادید برای سال ۱۳۵۱ و چقدر دقیق و با دقت بالایی

بوده است و تمرکزش برای کل بوده و اشاره‌ای که فرمودید به نظر شما نمی‌تواند برود استان‌ها و باید متمرکز باشد چون سیاست‌های کلان است. آقای دکتر ایزدی نظر شما چیست؟

ایزدی: من هم سلام عرض می‌کنم خدمت شما آقای دکتر و خدمت جناب آقای مهندس فرجامی و همچنین آقای مهندس حمزه‌ای عزیز سؤال شما در واقع اشاراتی می‌کند به ماهیت این شورا که همان‌طور که آقای مهندس حمزه‌ای نشان دادند طوع قانون مشخصاً از این شورا به‌عنوان یک‌نهاد سیاست‌گذار در مقیاس ملی یاد می‌کند و ما نیازمند هستیم اگرچه در ادامه ممکن است نقدهایی کنیم به اینکه چقدر این نهاد به بحث سیاست‌گذاری در مبحث ملی پرداخته و چقدر درگیر امور جاری شده است و باز هم آقای مهندس حمزه‌ای در بندهای دیگر اشاره می‌کند به یکسری امور جاری مثل طرح‌های جامع شهری که به طبع قانون‌گذار همان موقع در ماده‌ی ۵ پیش‌بینی کرده و گفته است، کمیسیون‌های ماده ۵ که می‌توانند نماینده‌ی این شورا باشند در مقیاس استانی می‌توانند بخشی از وظایف را دنبال کنند و مغایرت‌های جزئی را مورد بررسی قرار دهند تا آن شورا از آن درگیری‌های روزمره و جاری خلاص باشد و بتواند به همان وظیفه‌ی سیاست‌گذاری در مبحث ملی بپردازد. لذا من فکر کنم اگر به روح و ماهیت اصلی این نهاد توجه کنیم، البته به این نیاز داریم که سیاست‌های شهری را وضع کند و به طبع می‌تواند متمرکز باشد البته در صورتی که شرایط و ابزار لازم برای ما در نظام حکمروایی شهری فراهم باشد، می‌تواند سیاست‌های ملی‌اش متأثر از سیاست‌های محلی و کاملاً برگرفته‌شده از خوانش‌هایی باشد که متخصصین و شاید به‌نوعی نمایندگان در مقیاس محلی می‌خوانند که در نهایت در قالب یک سند ملی مطرح شود ولی اساساً شورای شهرسازی به‌عنوان یک‌نهاد سیاست‌گذاری در مقیاس ملی اساساً همین نقش را دارد پس می‌تواند متمرکز باقی بماند اگرچه بعد از گذشت ۵۰ سال از عمرش می‌تواند تجدیدنظرهایی در ساختار و در واقع کارکردش و... را آن قانون‌گذار پیش‌بینی کند تا بتواند آن هدفی که شما در سؤالتان دنبال می‌کنید، اینکه چگونه نهاد ملی می‌تواند از نهادهای محلی کمک بگیرد و صرفاً یک‌نهاد از بالا به پایین نباشد. این شدنی است ولی نهایتاً نیازمند یک این‌چنین شورایی در مقیاس ملی به‌عنوان نهاد و سیاست‌گذار معماری و شهرسازی هستیم.

محمودی: آقای دکتر ایزدی بحث را با خود شما ادامه می‌دهیم با این صحبتی که شما سه بزرگواران اشاره کردید اینکه باید این نهاد ملی باشد و به‌صورت کلان و متمرکز باشد ولی امکان داشته باشد که اختیاراتی را در آن شورای برنامه‌ریزی به استان بدهد و از سال ۵۱ این دیده‌شده است ما در خیلی از قوانین کشور داریم که این راهکارها دیده‌شده است ولی بارها دیده‌ایم که ما اشتباه استفاده کرده‌ایم یعنی راه‌گریزی شده آن چیزی که باید در شورای عالی شهرسازی تصویب شود به فرض در شورای برنامه‌ریزی تصویب شده یا برعکس الان هر ۳ بزرگوار اعتقاد دارید که این امکان هست که اصلی‌ها در شورای عالی شهرسازی باشد ولی این اختیارات هم محلی تقریباً داده‌شده است ولی تصویب آن باید در تهران باشد باسابقه‌ای که شما ۳ بزرگواران دارید آقای دکتر ایزدی از شما سؤال می‌کنم، آیا دیده‌اید قوانین برعکس شده باشد؟ الان صحبت این است که به فرض طرحی که باید در کمیسیون ماده ۵ باشد شورای عالی شهرسازی تصویب کرده است یا برعکس آیا چنین چیزی وجود دارد؟

ایزدی: بله اتفاقاً مواردی را داریم به‌خصوص مواردی که کمیسیون ماده ۵ اگرچه به لحاظ قانون و ساختار پیش‌بینی شده است که چه مواردی باید در شورایی عالی شهرسازی انجام شود ولی خوب خیلی موارد انجام نمی‌شود یک مثالش همین خیابانی که پشت میدان نقش‌جهان در واقع در حال اجرا بودند من در یک سفر متوجه شدم که آنها کمیسیون ماده ۵ را به شورای شهرسازی هیچ اعلامی نکردند

و همان باعث شد که جلوی آن گرفته شود و بعد هم ادامه‌ی ماجرا و این موارد هست که این اتفاق می‌افتد که همان نگاه دوستان ما در استانداری و شهرداری که تمایل دارند خودشان تصمیم‌گیری کنند و شاید خارج از آن چهارچوب‌های کلی که به‌عنوان سیاست‌های کلان شورای شهرسازی وضع کند، این اختلاف‌ها وجود دارد و مثال‌های زیادی هم می‌توان از آن زد که برعکس آن هم وجود دارد گاهی اوقات به دلایلی که می‌تواند فنی و سیاسی باشد، تصمیم می‌گیرند که آن موضوع را در شورای عالی شهرسازی بیاورند همین دیروز با مهندس بهشتی یاد حرم تا حرم می‌کردیم یک پروژه‌ای بدون هیچ‌کدام از مراحل که باید طی کند در یک خیابان بین ۲ حرم با عرض ۴۰۰، ۵۰۰ متر انجام‌شده است و این چنین مواردی هم داشتیم، آقای مهندس حمزه‌ای و آقای مهندس فرجامی در مورد صحت آن می‌دانند ولی از این موارد هم داریم که بنا به دلایل سیاسی و یا هر دلیل دیگری شورای شهرسازی وارد یک تصمیم‌گیری در مقیاس خرد می‌شود که شاید سلب اختیار و اقتدارگرایی از بالا به پایین صحیح نباشد، بزرگواران من که پیشکسوت هستم قطعاً بهتر می‌تواند راجع به این موضوع صحبت کنند.

آقای مهندس حمزه‌ای می‌خواهیم هم نکات مثبت و هم منفی را ببینیم از نظر شما با تجربه‌ی بسیار بالایی که دارید رابطه و تعامل کمیسیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسازی در کجا خیلی خوب بوده و دلایل آنچه بوده است و کجا با مشکل روبه‌رو شده است؟

حمزه‌ای: ملاحظه بفرمایید که قانون‌گذار این مسئله را پیش‌بینی کرده است و در قانون تأسیس شورای عالی در ماده‌ی ۵ آن عنوان می‌شود که تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر براساس طرح جامع شهری مؤثر باشد باید به تأیید شورای عالی شهرسازی برسد از ابتدا این جمله وجود داشته و در هر اصلاحی هم که صورت گرفته این بند کماکان نگه‌داشته شده است. آخرین اصلاحی که ما در ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی داشتیم در سال ۱۳۸۸ هم باز مجدداً این موضوع تأکید شده است که تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر براساس طرح جامع شهری مؤثر باشد باید به تأیید مرجع تصویب‌کننده‌ی طرح جامع که همان شورای عالی شهرسازی یا مرجع تعیین‌شده از سوی شورای عالی است، برسد. مسئله‌ای که وجود دارد ابهامی است که این اساس طرح به چه منظور است؟ یعنی آن حلقه‌ای که بوده بیشتر تعریف آن اساس طرح است. ما طرح جامع و طرح تفصیلی را داریم حالا در اینجا این طرح جامع در کجای خطوط قرمز می‌گوید حق ندارید در طرح پایین دست عدول بکنید؟ این نکته، نکته‌ای است که در حقیقت باید مورد بررسی قرار گیرد. سال ۱۳۶۳ این موضوع دغدغه‌مان بود و اگر ملاحظه بفرمایید دستورالعمل تشخیص اساس طرح جامع شهر در سال ۱۳۶۶ عنوان کرده است که با توجه به این که در تشخیص اساس طرح جامع ابهاماتی وجود دارد بنابراین ما دستورالعمل تشخیص دستورالعمل طرح جامع را آوردیم که هم در کلیات و هم در محتوای اصلی چه آیتم‌هایی خط قرمزی است که نمی‌تواند کمیسیون ماده ۵ به آن خدشه وارد کند، اینجا توضیحاتی داده‌شده است ولی ما در سال ۱۳۸۴ دیدیم که حتی همین تعریفی هم که ملاحظه می‌فرمایید عملاً باز می‌تواند همان‌طور که فرمودید در یک جاهایی دور زده شود به این دلیل که شهر با شهر متفاوت است مثلاً فرض بفرمایید ما یک طرح برای همین ایجاد یک خیابان با یک مقیاس و مترژ ممکن است در یک شهر کوچک بسیار تعیین‌کننده باشد درحالی‌که این در یک شهر بزرگ لزوماً چیزی نباشد. شورای عالی به همین خاطر در اصلاحیه‌ی آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی بررسی و تصویب طرح‌ها یک‌بندی گذاشته است و در اصلاحیه‌ی سال ۱۳۸۴ عنوان می‌کند که اساس طرح جامع هر شهر یا آستانه‌های مغایرت با اساس طرح جامع هر شهر در طرح جامع خودش تعیین و به‌تصویب شورای عالی شهرسازی برسد یعنی به‌عبارتی ما با این بند آمدیم و آن آستانه‌هایی را که اینجا در مصوبه‌ی سال ۶۶ ملاحظه می‌کنید به‌صورت عام همه را تعیین تکلیف کرده گفتیم: هر شهری بنا به مقتضیات خودش طرح جامعی که می‌خواهد تصویب شود و

شورایعالی بر آن صحنه بگذارد بیاورد و به ما بگوید که خط قرمزهایم کجاست و آنجا تعیین شود. این هم وجود داشت و باز مصوبه‌ی دیگری آمد که حتی از این هم رد شد و ریزتر شد. در سال ۱۳۹۴ این آخرین اصلاحیه‌ای است که برای تعیین آستانه‌های مغایرت اساسی، شورایعالی مصوب کرد و خیلی وارد جزئیات شد یعنی به نظر من دست‌وبال کمیسیون ماده ۵ را با این مصوبه ما عملاً بستیم و یک مقدار آن قدرت مانور کمیسیون ماده ۵ بسته شد. لذا مجبور شدند وارد یکسری دعاوی شوند، به‌هرحال من سعی کردم یک سابقه‌ی تاریخی را عرض کنم که این نحوه‌ی اتصال کمیسیون‌های ماده ۵ با شورای عالی شهرسازی چگونه است و در طی دوره چه تغییراتی کرده است.

محمودی: جالب است آقای مهندس از سال ۱۳۵۱، سال ۱۳۶۶، سال ۱۳۸۴ و سال ۱۳۹۴ اشاره فرمودید بنابراین مرتب اصلاحیه آمده و تکمیل‌تر شده ولی یک خط قرمزی ثابت مانده بود که این دوباره تکرار می‌شد. از آقای مهندس فرجامی سؤال می‌کنیم این چالشی که همیشه وجود داشته است بین شورایعالی شهرسازی و کمیسیون ماده ۵ یا به زبان دیگر بگوییم قرائت‌های مختلفی که هر کدام از بزرگواران مقطعی دیدند حالا کجاها خیلی مثبت‌تر بوده و این همگنی و هماهنگی باهم انجام شده شما در این دورانی که حتی در قسمت شهرداری هم همیشه حضور داشتید و در شورای شهرسازی هم قبلاً بودید چه دورانی دوران خیلی خوبی بوده که این تعامل وجود داشته است و چرا؟

فرجامی: عرضم به‌حضور شما که کمیسیون ماده ۵ در چهارچوب و ضرورت وجودش، بحثی نیست ولی کاملاً درست پیش‌بینی شده است و چون وظیفه‌ی اصلی طرح‌های تفصیلی بر عهده‌اش است و همین‌طور در هر طرحی ممکن است استثناهایی وجود داشته باشد و قانون‌گذار درست پیش‌بینی کرده است که یک کمیسینی باید باشد و این اقدامات را انجام دهد اما بیشتر این اتفاقاتی که منجر شده به نگاه‌هایی که کمیسیون‌های ماده ۵ در تقابل با شورای عالی هستند به‌نظر من شاید مربوط به تهران می‌شود و بالاخره یک ویژگی که در خود قانون پیش‌بینی شده است، تهران را مستثنا کرده است و تنها در تهران کمیسیون ماده ۵ و دبیرخانه‌اش در شهرداری است که اتفاقات زیادی افتاده است و آن‌هم بحث مجزایی دارد اما اعتقاد شخصی من که همیشه گفتم کمیسیون‌های ماده ۵ در تهران است، اگر اشکالی وجود دارد بیشتر برعهده‌ی خود دولتی‌هاست در کمیسیون ماده ۵ شهر تهران ۵ دولتی، معاون وزیر است و یک شهردار وجود دارد، بنده و آقای دکتر ایزدی چند سالی را در این کمیسیون‌ها گذرانده‌ایم و اگر دولتی‌ها درست عمل کنند شهرداری‌ها یک رأی دارند اما به شکل ریشه‌ای اگر بخواهیم ببینیم هرچایی که بین کمیسیون‌های ماده ۵ شهرهای دیگر تعامل خوبی برقرار بوده است مسکن، شهرسازی، استانداری‌ها و البته شهرداری‌ها هیچ اشکالی وجود نداشته است و همواره طرح تصویب می‌شود، در بخش‌هایی از طرح تفصیلی ممکن است مغایرت داشته باشد و همان‌طور که آقای حمزه‌ای گفتند مغایرت‌ها پیش‌بینی شده و به‌منظر تصویب نهایی به آنجایی که اختلاف‌نظر وجود داشته است برمی‌گردد و ۳ دلیل ریشه‌ای برای موضوع که این ۳ دلیل اگر نبود چه معنی داشت چون بالاخره در مقیاس خود طرح جامع تهیه شود و به اجرا برود چه می‌شود؟ در فرایندهای اجرا اتفاقاتی بیافتد منجر به این تقابل می‌شود، ۳ تا دلیل دارد یکی اصولاً جایگاه شهرداری‌ها است در فرایند تهیه، بررسی و تصویب که این ایراد دارد یعنی ما هر سه در وزارت راه و شهرسازی نقش و تجربه داشتیم، در واقعیت جدا از وضعیت شهرداری‌ها که نیت مختلف دارند اما شهرداری به‌عنوان مجری طرح جامع و تفصیلی وظیفه‌اش است اقدامی کند که در فرایند تهیه، بررسی طرح و تصویب نقش داشته باشد و نظرش را بگوید. هم شما و هم شهردار باید این را حل کنید در فرصتی اگر وقتی باشد بگوییم که چرا قانون شورای عالی شهرسازی و قانون تأسیس

هیچ وقت بعد از ۵۰ سال اصلاح نمی شود، ایرادهایی دارد. در وقت دیگری اگر زمان بود عرض می کنم اما به هر جهت باید این اتفاق بیافتد و درجایی که شرایطش فراهم بود از یک سالی برای طرح تصویب طرح های جامع از شورای شهر، شهردار و معاون عمرانی در جلسات شورایی دعوت شود که حداقل آنجا بیایند و نظراتشان را بگویند. مطلب دیگری که هست منابع مالی پایدار شهرداری ها است یعنی آنجا یک ایرادی وجود دارد که منجر به این خواسته ی عمومی شهرها که بالاخره با یک تصمیماتی یک راه ها و منافذی ایجاد کنند یا تصمیماتی بگیرند که آن گیر رفع شود یکی از آن گیرهای اساسی بحث منابع مالی شهرداری ها است و که اگر آنها را حل کنیم خیلی از مغایرت ها کمتر خواهد شد، یکی هم قطع ارتباط ساختاری بین وزارت راه، شهرسازی و شهرداری ها است این در ادامه ی عرایض قبلی من است و به هیچ صورت نمی توانم هضم کنم که مثلاً شهرداری ها اگر مجری طرح جامع هستند، اگر با بخشی از دولت ارتباط دارند، باید با وزارت راه و شهرسازی هم ارتباط داشته باشند در حالیکه ما الان در قوانین می بینیم که بیشترین ارتباط شهرداری و مسیولیت شان با وزارت راه و شهرسازی کشور است، در شوراهای شهر این ارتباط های ساختاری باید درست شود که نیاز به اصلاح قوانین دارد (در فرصت دیگری عرض می کنم). در نتیجه کاملاً جایگاه شوراهای کمیسیون ماده ۵ جایگاه درستی است و اگر تعامل خوبی بین وزارت راه و شهرسازی با استانداری ها به خصوص در استان شهر تهران با شهرداری تهران برقرار شود به نظر من همه ی مشکلات در این موضوع حل خواهد شد.

محمودی: البته همیشه دیده ایم اگر شهر تهران نکات مثبتی را انجام دهد یک الگو برای شهرهایمان است در خصوص کمیسیون ماده ۵ و رابطه اش با شورای عالی شهرسازی هم همین طور است اگر خوب باشد تأثیر می گذارد. نکته ی بسیار جالبی را اشاره کردید که در حال شهرداری ها مجری هستند پس باید در شورایی شهرسازی که قوانینی تصویب می شود حضور داشته باشند، بدانند و تأثیرگذار باشند. در ادامه ی صحبت از آقای دکتر ایزدی می شنویم چرا تا الان خیلی از طرح های تفصیلی و طرح های جامع کامل به اجرا نرسیدند؟ دلیلش چه بوده یا اگر نمونه هایی را در ذهن دارید که شورایی شهرسازی تصویب کرده است برای هر شهر و صد در صد آن طرح در زمان خودش اجرا شده دلایلش چه بوده است؟ همان طور که همه ی ما باخبر هستیم اکثراً برعکس است و کمتر به نهایی رسیدیم در خدمت شما آقای دکتر هستیم.

ایزدی: خدمت شما عرض کنم که مهم ترین آسیب را آقای مهندس فرجامی توضیح دادند که اساساً از همان ابتدای تشکیل شورای شهرسازی و بعد از آن وزارت مسکن و شهرسازی و امروزه راه و شهرسازی با قطع ارتباط بین شهرداری ها و مدیریت شهری و این وزارت خانه ها بزرگ ترین آسیب را وارد کرده اند. ما خودمان را تهیه کننده ی طرح های جامع میدانیم اگر چه در چند سال اخیر بحث تهیه ی طرح های تفصیلی به شهرداری ها واگذار شده است ولی باز هم اساس موضوع در حیطه ی قدرت و اختیار وزارت خانه است و شهرداری به هیچ عنوان خودش را دخیل در این فرایند نمی داند، پس به طبع با محصولش همیشه دچار مشکل هست جدا از اینکه باز آسیب دومی که مهندس فرجامی فرمودند بحث بی توجهی به منابع مالی شهرداری ها باعث می شود که شهرداری ها درصد تغییراتی در طرح ها داشته باشند که به طبع آن ماهیت طرح ها را با آن تغییرات عوض می کنند و موضوع دیگری می شود. نمی دانم آقای مهندس دفتری در قید حیات هستند یا نه ولی در ذهنم آقای فرهاد دفتری آمد که تعریف می کرد و می گفت طرح من را برده اند و ۵۰۰ تا مصوبه به آن زده اند مثل آدمی که ۵۰۰ گلوله به آن بزنی معلوم است که آن طرح من دیگر نیست و نمی توانم به عنوان طرح خودم از آن دفاع کنم. موضوعی که جناب مهندس فرجامی ذکر کردند در مورد ترکیب اعضا، کمیسیون و شورای شهرسازی است ما متأسفانه همان طور

که آقای مهندس حمزه‌ای هم فرمودند چند گام برداشتیم ولی اصلاحات برعکس شده است یعنی در تمام اصلاحات یک ضربه‌های ناجوری به ساختار کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی وارد شده است. مثلاً عضویت شورای شهر از کمیسیون ماده ۵ حذف شده است چراکه اساساً مدیریت شهری اگر در تصمیم‌گیری نقشی در این مراجع نداشته باشد هیچ است یا برای مثال ما در کشور عادت نداریم نهادهای صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط نظر بدهند. من در همان چندساله از انجمن مهندسان مشاور و انجمن صنفی دعوت کردم یعنی حضور این افراد در گروه‌های مختلف می‌تواند سری تغییراتی ایجاد کند می‌تواند طرح‌ها را به واقعیات نزدیک‌تر کند. با این وجود این هم یکی از آسیب‌ها است که به‌نظر موردتوجه قرار می‌گیرد، اگرچه یک‌بار با همین نگرانی گام برداشته‌ایم و از اصلاح پیشیمان شدیم ولی به هر صورت این مسائل وجود دارد و آقای مهندس فرجامی فرمودند که نیازمند اصلاحاتی در ساختار گردش کار است. نکته‌ی آخر در پاسخ به فرمایش شما و نگاه از بالا به پایین جامعه‌ی حرفه‌ای است یعنی ما اساساً همه مواردمان در پایتخت متمرکز است و بزرگ‌ترین مشاورهایمان با همان نگاه از بالا به پایین در تهران هستند و صرف این‌که ما فقط دفتر محلی داشته باشیم نمی‌شود نسبت به پدیده‌ای که فرهنگ اجتماعی شهر را ساخته است آشنا بشویم. به‌نظر می‌رسد که این هم از آسیب‌هایی است که باعث می‌شود طرح‌ها مقداری از واقعیات به دور باشد با این وجود ساختار مدیریتی باید اصلاح شود و نحوه‌ی ساختار تهیه طرح باید اصلاح شود چراکه اینها مواردی است که تأثیرگذار برای تحقق‌پذیری طرح‌های جامع و تفصیلی بوده است.

محمودی: صحبتی که شما فرمودید مرتب آقای مهندس حمزه‌ای تأیید می‌کردند و در ذهنشان خاطراتی آمد که در گذشته بوده است صحبت را با آقای مهندس حمزه‌ای ادامه می‌دهیم در مورد ترکیب اعضا و چرا طرح‌های مصوب نهایتاً کامل اجرا نمی‌شود؟ آقای دکتر ایزدی به نگاه از بالا به پایین جامعه‌ی علمی اشاره داشتند و می‌خواهم بگویم نگاه از بالا به پایین دولتی به خصوصی یعنی اینکه از شورای شهر کسی که مردم به آن رأی دادند چرا نباید حضور داشته باشد یا اگر حضور دارد چرا شما می‌گویید باید فقط ناظر باشد چه فایده‌ای دارد یا حتی جامعه‌ی مشاورین و جامعه‌ی حرفه‌ای آقای مهندس حمزه‌ای نظر شما چیست همان‌طور که تأیید می‌کردید.

حمزه‌ای: عرض به‌حضورتان که اگر من به آن اسلاید اولی که ارائه شد برگردم فرایند این گردش اصلاحیه‌هایی که در قانون خورد برای ماده ۵ در قانون تأسیس در مصوبه‌ی اولش در سال ۱۳۵۱ بخش آبی‌رنگ ملاحظه می‌شود بندی بود که عنوان می‌کند آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب انجمن شهر برسد برای شهرداری لازم‌الاجرا است. این نکته بسیار کلیدی است به عبارتی اولویت‌بندی را قانون‌گذار به انجمن شهری داده است یعنی گفته شده است که شما طرح کلان را برای یک دوره‌ی زمانی می‌بینید و طبیعتاً انجمن شهر با توجه به زمان‌های کوتاهی که دارد ممکن است نتواند کاری کند، اما اولویت‌بندی و اینکه مثلاً طرحی که به من ارائه شده و این طرح‌های جامع ما ۲۵ ساله بوده است، من نمی‌توانم همه‌ی این را ظرف یک دوره‌ی زمانی کوتاه عملیاتی کنم بنابراین باید آن را اولویت‌بندی کنم و اینجا آن بند را قانون‌گذار عنوان می‌کند، آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب انجمن شهر برسد برای شهرداری لازم‌الاجرا است به‌نظر من از این یک سوء برداشتی شد که اگر انجمن شهر تصویب نکند نقشه‌های تفصیلی کلاً انجام نمی‌شود و به همین خاطر در اصلاحیه‌های قانون بعدی که انجام شد به کلی آن بند حذف شد یعنی ما یا از این طرف یا از آن طرف افتاده‌ایم. به‌نظر من می‌رسد که در حقیقت حضور انجمن شهر یا شورای اسلامی فعلی برای حضور در نحوه‌ی اجرای طرح تفصیلی ضروری است ولی بعداً در ماده یک ۷۷ قانون شوراها آمد و جای خودش را به‌گونه‌ای عنوان کرد که بدون اجازه من اصلاً طرح تفصیلی نباید مراحل بعدی را دنبال کند که آن هم از آن طرف بام افتادن است که مشکلات بعدی را به دنبال دارد.

محمودی: آقای مهندس فرجامی شما صحبت ۲ بزرگواران را شنیدید که چه بندهایی دیده‌شده بود ولی در چه لحظاتی حذف شد یعنی قانون‌گذار درست دیده بود که این ارتباط چگونه باشد. باتجربه‌ای که شما دارید عدم ۱۰۰٪ اجرا نشدن مصوبات به طرح جامع‌ها چیست؟

فرجامی: من اگر اجازه بدهید موضوعی راجع به اصلاح قانون بگویم چون دوستان یک اشاره‌ای کردند و فکر کنم جایش است که الان بگویم، نکته‌ای که آقای مهندس حمزه‌ای گفتند و قبل از آن آقای دکتر ایزدی راجع به حذف رأی نماینده‌ی شورا در کمیسیون ماده ۵ به سال ۱۳۸۶ زمانی که من در وزارتخانه بودم برمی‌گردد، دقیقاً به‌همین دلیل ماده ۵ و تفسیری که در آن تاریخ شده بود نمایندگان خوزستان در مجلس یک طرح ارائه کردند و به دلیل تفسیری که از وظایف انجمن‌های شهری شورای شهر می‌شد در آن دوره باعث اختلافات عجیب‌وغریب بین شورای شهر، شهرداری و مسائل سیاسی دخیل در آن شده بود و درواقع انگیزه‌ی نمایندگان خوزستان رفع همین مشکل ماده ۵ بود که شورای شهر گویا نگاه‌های خاصی داشتند که اجازه نمی‌دادند و... وارد جزئیات نمی‌شوم ولی به این دلیل طرح به‌مجلس ارائه شد در آن زمان بنده در معاونت شهرسازی حضور داشتم و وقتی به مجلس رفتیم چون به‌منظوری اشاره به ماده‌ای در شکل یک طرح می‌کردند و مسئولین وزارت راه و شهرسازی به دلیل اینکه قانون تأسیس، قانون بسیار محکمی هست همان‌طور که جناب آقای دکتر ایزدی گفتند هیچ‌وقت این جرئت را نکردند که اصلاحیه در چهارچوب لایحه بدهند چون اگر این اتفاق می‌افتاد در خود همین کمیسیون‌های دولت و وزارت کشور شروع به زیرورو کردن مجلس و بعد شورای شهرسازی می‌کردند درنتیجه هیچ‌وقت لایحه ارائه نشد اما آن طرحی که از نمایندگان خوزستان در آن تاریخ ارائه شد باعث شد که هم مجلس و هم بعدازآن شورای نگهبان به اصل قانون ورود کنند، می‌دانید که این اختیار را دارند شما یک " و " بخواهید در قانونی عوض کنید وقتی وارد آن شدید دیگر اجازه فرایند قانون‌گذاری و تصویب به آن می‌دهید که همه‌ی آن قانون را زیرورو کنند که همین اتفاق افتاد و در آن تاریخ به‌خاطر آن طرح شورای نگهبان رأی نماینده‌ی شورای شهر را از کمیسیون ماده ۵ حذف کردند در حالی که موضوع طرحی بود در مورد ماده ۵ و در شورای نگهبان حذف شد و از آن تاریخ اعضای شورای کمیسیون ماده ۵ هم‌رأی مشاور را حذف کردند که تا قبل از آن مشاور عضو بود و حق رأی داشت. حال چرا این طرح‌ها ۱۰۰٪ به اجرا نمی‌رسد؟ البته صددرصد نمی‌شود گفت، کاری که در زمان دکتر زرگر شده بود گفتند: ۲۵٪ طرح‌های جامع برای بخش‌هایی که مردم وظیفه تعیین‌شده است می‌شود. دلایل آن چیست؟ بخشی از دلایل برمی‌گردد به فرایند تهیه‌ی طرح شرح خدمات، تفاوت‌هایی که شهرها با یکدیگر دارند و از این جنس‌ها که درست است و در این چندساله هم بعضاً اصلاحاتی شده است اما بخش‌های فرایندی آن که بیشتر به بحث‌های اجرایی برمی‌گردد، از جمله قوانین ما که به‌لحاظ ضمانت اجرا ضعف‌هایی دارد باید اصلاح شود، پیش‌بینی‌شده که چه اتفاقی باید رخ دهد ولی ضمانت اجرایی و در اثرگذاری درست پیش‌بینی‌نشده است و لذا جاهایی صرف می‌کند که اجرا نکنند یا تخلف کنند و خیلی جرائم جدی برای عدم اجرای قوانین پیش‌بینی‌نشده است نکته‌ی بعدی عدم حضور مشاورین در حقوق اجرا است، سال‌هاست که مشاورین درواقع بر اساس پیوست ۶ تیپ ۱۲ بنابه دلایلی که مفصل است بعد از آنکه طرحشان تصویب می‌شود ارتباطشان با شهرداری قطع می‌شود که نداشتن پایگاه‌های اطلاعاتی خیلی مؤثر است. نکته‌ی بسیار مهمی که باید در بخش دیگری گفته شود بحث نظام پایش و ارزیابی است که ما چنین نظامی نداریم و متأسفانه با توجه به این تداخل مسئولیت‌ها و فاصله‌هایی که بین تهیه‌ی طرح‌ها گاهی طرح جامع و تفصیلی سال‌ها طول می‌کشد و وقتی طرح تفصیلی تهیه می‌شود که اعتبار طرح جامع از بین رفته است به دلیل همین فواصل، مسئولیت‌ها و تداخل‌ها حتماً

ما نیاز به یک نظام پایش و ارزیابی مستمر داریم که تمام مراحل را از ابتدا تا انتهای کار مرتب پایش کند.

محمودی: تا الان بیشتر روی چالش‌ها و نگرانی‌ها شما ۳ بزرگوار صحبت کردید و به تجربیاتی که داشتید اشاره کردید. از طرح جامع و طرح تفصیلی خارج شویم یکی از وظایف عالی برای شورای عالی شهرسازی معیارها و ضوابط بوده است که راجع به آن کمتر صحبت کردید و اتفاقاً خیلی کارآمدتر، خیلی پویاتر و تأثیرگذارتر باید باشد، بهترین و کارآمدترین آیین‌نامه یا ضابطه‌ای که به خاطر دارید آقای دکتر ایزدی که بیشترین رأی را داشت، همه موافق بودند و در ضمن تأثیرش را می‌بینید به نظر شما کدام بوده است.

ایزدی: خدمت شما عرض کنم آقای دکتر محمودی نکته‌ای در مورد پیوستگی بین سیاست و اسناد بعدی که باید این سیاست را تبدیل به یک سند اجرایی کنند، جناب آقای مهندس حمزه‌ای و آقای مهندس فرجامی من را تصحیح می‌کنند ولی هفته‌ی اولی که من در آن پست نشستم مشق شیم این بود که ببینم مجموع مصوبات سال‌های پیش که بزرگواران قبل از من پیگیری کردند و تبدیل به اسنادی به‌عنوان مصوبات شورای شهرسازی و قوانین در این لحظه شده است چیست؟ یکی از نکات خیلی جالب این بود که موضوعات، موضوعات خیلی مختلف ولی مشترک در هر دوره‌ای تکرار شده بود مناسب‌سازی فضای شهری برای معلولین، معماری ایرانی اسلامی از چیزهایی است که اصرار دارند یک‌جوری در موردش صحبت شود ولی ما وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم هیچ‌کدام از اینها در ایران که مصوبه‌هایشان در عمل در سازمان فضای شهر وجود دارد به‌ساختار شهری نمود عینی پیدا نمی‌کند. به‌نظر من دو مسئله‌ی جدی وجود دارد یکی نکته‌ای است که پاسخ به‌سؤال شماست که ما چقدر توانسته‌ایم این سیاست‌ها را که طرح موضوع می‌شود در شورای عالی شهرسازی به‌عنوان یک‌نهاد سیاست‌گذار به دستگاه‌های مختلف که عضو آن شورا هستند در یک چهارچوبی اعلام کنیم که این فضای شهری برای گروه‌های مختلف سنی مناسب‌سازی شود ولی خوب این کافی نیست باید در گام‌های بعدی تبدیل به اسناد اجرایی نقشه راه اسناد راهنمای طراحی و... شود. یکی از مشکلات ما این است که ما در این عرصه‌ها، اسنادی که آن سیاست‌ها را عملیات اجرایی می‌کند کم داریم ولی قطعاً آقای مهندس حمزه‌ای و مهندس فرجامی بهتر از من می‌دانند که کدام‌یک از این سیاست‌ها در این چهارچوب عملیاتی و اجرایی شدند ولی عمده‌ی این سیاست‌ها که اجرایی نمی‌شوند یک بخش ناشی از این بحث است و نکته‌ی دوم هم این‌که درواقع تداخل‌هایی به وجود می‌آید یعنی ما در این عرصه‌ها به موضوعاتی اشاره می‌کنیم که در قوانین دستگاه دیگری در تقابل با آن یک دستورالعمل وجود دارد، اینها نیز به‌نظر می‌رسد که آن هماهنگی لازم برای وجود ندارد و همین تحول‌ها باعث می‌شود که آن سیاست‌ها چهره‌ی عملیات اجرایی درستی به خود نگیرند ولی قطعاً در طول این سال‌های که از عمر شورای شهرسازی می‌گذرد مجموعاً مصوبات خوبی داشتیم که توانسته‌اند در امر سیاست‌های توسعه‌ی شهری هدایت‌گر باشند و باید آنها را بررسی کرد که علت موفقیت آن سیاست‌ها و مصوبات چه بوده است آیا اصلاً حرفی که زدم درست بوده است؟ آیا آنها دارای مستنداتی که توانسته‌اند آن سیاست را روی زمین بنشانند بوده است یا نه؟ اساساً واقع‌گرایانه بودن آن سیاست یا مصوبه دارای پشتوانه و ابزارهای لازم برای اجرایی شدنش و... خواهد بود. اولاً شوراهای عالی شهرسازی باید بیشترین زمان خود را روی همین موضوع بگذارند. مهندس حمزه‌ای و مهندس فرجامی قطعاً تأیید می‌کنند که در شورای شهرسازی تمام بحث این بود که کدام بخش به‌زور به شهر الحاق شود کدام بخش از شهر چیز دیگری شود و یک سری موضوعات روزمره‌ی عجیب‌غریبی که در ماهیت هم غلط بود و تمام‌وقت شورای شهر صرف این می‌شد که یک‌جایی را تصرف کردند بپذیرید که به شهر الحاق شود، درصورتی‌که شورای شهرسازی نهادی بود که باید به سیاست‌های شهری در ابعاد مختلف می‌پرداخت، روی این موضوعات بحث می‌کرد و بعد هم همین‌طور که

خدمتتان عرض کردم به شکل یک‌سری از اسناد آنها را عملیات اجرایی می‌کرد. در نهاد مدیریت شهری و بقیه دستگاه‌هایی که به‌نوعی متولی هستند اینها بحث‌هایی است که در عرصه از سیاست‌ها تا ضوابط آیین‌نامه‌ها وجود دارند و خواستم خدمتتان عرض کنم.

محمودی: آقای مهندس حمزه‌ای شما چه چیزی به خاطر دارید که در این شورایی شهرسازی همان‌طور که آقای دکتر ایزدی فرمودند که باید مصوباتش خیلی جامع باشد (از این که یک زمین به شهر می‌چسبد یا بیرون می‌رود) فراتر باشد؟ کدام ضابطه یا آیین‌نامه‌ای را به خاطر دارید که خیلی کارآمد بوده است، اعضای که از وزارت مختلف هم حضور داشتند همه توافق داشتند، نتیجه‌ی مثبتی هم داشته‌اند و دخالت در نهادهای دیگری هم نبوده است.

حمزه‌ای: من یک خاطره‌ای دارم دوره‌ای که خدمت جناب دکتر ایزدی در شورای عالی بودیم بحث تصویب طرح‌های بالای ۵۰ هزار نفر که با همان ضرورت‌هایی که وجود داشت شورایی تا حدی وارد جزئیاتش شد چراکه نمی‌توانست همه‌ی شهرها را پوشش دهد. این بهانه‌ای بود برای دوستانی که می‌گفتند ما باید طرح شهرهای کوچک‌مقیاس را در خود استان دنبال کنیم ولی دغدغه‌ی آنها چیزی بود که آقای مهندس فرجامی عنوان فرمودند، که در حقیقت بتوانند از نگاه چهارچوب کلان شورایی شهرسازی گریزی بزنند و این به یک قانون تبدیل شد قانونی که عنوان می‌کرد طرح‌های جامع شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر در مرکز استان خودش به تصویب برسد با چهارچوبی که شورای عالی شهرسازی معین می‌کند. ما در اینجا با پارادوکسی روبه‌رو شدیم که با مدیریت جناب دکتر ایزدی به این شکل دنبال شد که گفتیم ما از این تهدید یک فرصت می‌سازیم و یک چهارچوب درست درمانی را برای تهیه‌ی طرح‌های جامع تدوین می‌کنیم و به تصویب شورایی شهرسازی می‌رسانیم که این چه برای شهرهای کوچک و چه برای شهرهای بزرگ بتواند نقشه‌ی راه باشد و این کار انجام شد. مصوبه‌ی دستورالعمل تعیین چهارچوب تهیه‌ی طرح‌های توسعه و عمران به خاطر این مسئله شکل گرفت و به تصویب شورایی شهرسازی رسید و این به‌نظر من گام بسیار خوبی بود که یک نقشه‌ی راه شد و الان با خیال راحت کمیته‌های فنی ما می‌توانند طرح‌های تهیه‌شده توسط استان‌ها را با این خط‌کش به‌راحتی تطبیق دهند و خیلی سریع و گذرا بتوانند این را تصویب و یا اصلاح کنند.

محمودی: به‌مثال خیلی خوبی رسیدید در زمانی که یک مشکلی پیش آمده بود و تصمیم گرفته شد طرح شهرهای با جمعیت ۵۰ هزار نفر در استان‌ها تصویب شود. به قول خودتان از این چالش و مشکل به‌عنوان یک فرصت استفاده کردند و از آن یک خروجی در تمام گروه‌ها گرفته شد که هنوز هم تأثیرگذار است. آقای مهندس فرجامی شما چه خاطره‌ی خوبی را از یک آیین‌نامه یا ضوابطی دارید که خیلی کارآمد برای کل ایران بوده است.

فرجامی: عرضم به حضورتان که در این زمینه اگر به طرح اشاره کنیم طرح راهبردی ساختاری توسعه توسعه عمران در ذهنم تنها شهر تهران است یکی به دلیل اینکه خودم در تمام فرایندهایش حضور داشتم و بالاخره با یک رویکرد نوینی تهیه شد که پایه‌گذاری‌های نهادهای پایش و ارزیابی در آن زمان انجام شد و روش تهیه‌ی طرح تفصیلی و جامع هم‌زمان باهم بود و شیوه‌ی تهیه طرح مشارکت بین شهرداری و وزارت‌خانه جزو نکات مثبت است و حتی به‌اتفاق آرا در شورایی تصویب شد که براساس تهیه‌ی طرح است اما در ارتباط با آیین‌نامه‌ها و ضوابط عام نکاتی که آقایان گفتند درست است ولی من در ذهنم آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی بررسی و توسعه‌ی عمران که در سال ۷۸ مصوبه‌ی هیئت دولت بوده و در سال ۸۴ هم در شورای عالی به لحاظ کارایی یک بازنگری مختصری شد و الان بعد از ۲۲ سال همچنان کارایی دارد مثل یک آیین‌نامه‌ی داخلی در شورایی است و جزو یکی از آیین‌نامه‌هایی خیلی

اثربخش بوده است و هنوز هم ادامه دارد. یک خاطره هم من دارم شاید کمی نقطه مقابل ماده‌ای است که آقای دکتر حمزه‌ای گفتند ولی موضوع تعیین تکلیف طرح‌های هادی بود که در سال ۸۵-۸۶ در یکی از سفرهای استانی ما در یک اقدام جسورانه تکلیف طرح‌های هادی را روشن کردیم و به نوعی که من هنوز هم درک نمی‌کنم یعنی چه یک شهر ۲۴۹۹۹ نفر باید طرح هادی برایش توسط دستگاه دیگری و شهرهایی با ۲۵۰۰۱ نفر به بعد را طرح جامع و تفصیلی با یک دستگاه دیگری در وزارت راه و شهرسازی هست با یک نظام دیگر حتی تهیه شود و فرایندهای بعدی و تغییراتش نیز در کمیسیون‌های متفاوت بررسی شود. هنوز هم بعد از ۴۰ سال سابقه‌ی کار نفهمیدم ما در آن دوره این نکته را چگونه حل کردیم با وجود اینکه دوستان بعد از ما بلافاصله با توجه به سابقه‌ی وزارت کشور که داشتند مصوبه را از بین بردند و دوباره الان سال‌هاست این درگیری وجود دارد. وزارت کشور هم هیچ جور حاضر نیست تهیه‌ی طرح‌های هادی را به عهده استانداری‌ها و دفتر فنی بگذارد این نیز خاطره‌ای بود که در آن دوره اتفاق افتاد. آخرین آیین‌نامه‌ای که من نقشی در تنظیمش داشتم آیین‌نامه‌ی ماده‌ی ۵۴ برای نحوه بررسی و تصویب بود که از سال ۷۸ ماده ۵۴ در آیین‌نامه وجود داشته و قرار بوده شش ماهه نحوه‌ی دستورالعمل چگونگی تهیه‌ی طرح، اجرا و نظارت بر اجرا را وزارت راه و شهرسازی و وزارت کشور مشترک ارائه می‌دادند، این تکلیف ۲۲ ساله را به هر ترتیبی که بود ما در این شش ماهه به سرانجام رساندیم و در ۴ مرداد امسال هم به تصویب شورایی رسید. این آیین‌نامه جدا از این نقشی که خود من داشتم به دلایلی که عرض می‌کنم پایه‌گذاری و تشکیل نهادهای پایش و ارزیابی را آماده کردیم و لذا خلایق که آقای دکتر ایزدی گفتند که چرا سازمان‌های مردم‌نهاد شوراها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و مردم نمی‌توانند در فرایند نظارت بر اجرا نقش داشته باشند؟ در این آیین‌نامه این کار را پایه‌گذاری کردیم. بسیاری از فرایندهای پوسیده قدیمی و فساد آور در صدور پروانه اصلاحش را در این آیین‌نامه استارت زدیم و با توجه به ۲۲ سالی که از آیین‌نامه گذشته یکسری آسیب‌ها در هر یک از طرح‌های توسعه عمران وجود داشته است و تصمیم‌گیری‌هایی در طرح‌های مقیاس بالای آمایش، طرح جامع سرزمین و طرح‌های منطقه‌ای گرفته شده بود که در پیرو آن خیلی اتفاقات افتاد با این وجود سعی کردیم در آیین‌نامه‌ی ماده ۵۴ برای اصلاح پایه‌گذاری کنیم و در همین راستا به نظر من یکی از آیین‌نامه‌هایی است که هنوز دو ماه بیشتر از تصویبش نمی‌گذرد و با تغییرات گسترده در وزارتخانه مواجه شد ولی با شکل‌گیری و به ثبات رسیدن سیستم مدیریت در وزارتخانه کشور و وزارت راه و شهرسازی دستورالعمل‌هایی در آیین‌نامه ذکر شده است که تهیه خواهد شد در به نظر من آیین‌نامه مؤثری خواهد بود.

محمودی: آقای مهندس فرجامی خسته نباشید اشاراتی به ۳ دهه پیش و تأثیرش داشتید. آنجایی که مثبت بود و حتی آنجایی که نیاز به بازنگری بوده است تا این ۲ ماه پیش آمده برای همین ادامه‌ی صحبت را با خود شما جلو می‌برم. شورایی شهری بالاترین مرجع ما مهندسين می‌باشد شهرسازها و معماران شورایی در نهادهای دیگر نیز زیاد هستند اما در شورایی پول و اقتصاد داریم که هر کدامشان بالاترین رکن در قسمت خودشان هستند آقای مهندس فرجامی شورایی شهرسازی امروزه در بین مهندسين و شهرداری‌ها جایگاه خودش را در کشور دارد یا خیر؟

فرجامی: باید بگویم بله و که نه گفتن سخت است اما به خصوص در این روزها وضعیت بسیار شکننده‌ای را شورایی دارد. من یک بخشش را می‌گویم که برای بحث‌های قبلی مطرح شد بخش معماری که یکی از ۴ رشته‌ای است که همواره وجود دارد و لازم می‌دانم که همین‌جا به این نکته اشاره کنم ببینید شهرداری‌های ما ۵۰٪ یا بیشتر پایه‌شان معماری بوده است. شورایی را وقتی به خود قانون نگاه می‌کنیم که آقای مهندس حمزه‌ای نیز نشان دادند در ماده‌ی ۱ که شرح نزول شورای عالی را می‌گوید از ۵ خطی که توضیح

می‌دهد، خط اولش به شهرداری و ۴ خط بعدی آن تماماً به معماری می‌پردازد. در آن یک خط می‌گوید شورا برای هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به منظور ایجاد محیط‌زیست بهتر برای مردم است و بعد از آن ۴ خط می‌گوید همچنین به منظور اطلاق هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و ارائه ضوابط و جنبه‌های اصیل آن و... به همین صورت پیش می‌رود. حالا ماده‌ی ۲ آن را ببینید تمام ۴ بند آن هیچ اثری از معماری ندارد، بند ۱ آن سیاست‌های کلی شهرسازی اظهار نظر نسبت به طرح‌های جامع و بررسی و تصویب نهایی آن بر مبنای معیار و ضوابط آیین‌نامه‌های شهرسازی است و حتی بند ۴ که می‌توانست در مورد آیین‌نامه‌های شهرسازی و معماری بگوید، نگفته است. من زمانیکه برای جلسه مطالعاتی کردم این‌ها را دریافتم و خود نمی‌دانستم که تا این حد به معماری کم‌توجه بودیم. من مصوبات شورای عالی را به خاطر همین آیین‌نامه‌ی ماده ۵۴ بیرون آوردم، مصوبات غیر طرح‌های جامع یعنی مصوبات ضوابط و مقررات عام است و همان‌طور که دوستان گفتند جزو وظایف اصلی شورای عالی است، که جمعاً ۳۲۵ تا مصوبه عام در شورای عالی سال ۱۳۵۱ بوده است در حالیکه از سال ۱۳۴۳ این ساختار به صورت یک شورای مسکن و شهرسازی و مصوبات شکل گرفته بود، مصوبات ضابطه، مقررات و آیین‌نامه در زمینه‌های شهرسازی ۱۳۹ تا و مصوبات در معماری ۲۹ تا و در بخش راه و شهرسازی ضابطه ۱۶۸ تا و ۱۸ تا هم سایر موارد است. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید معماری تنها ۲۹ ضابطه و مصوبه دارد و اغلب می‌گویند که این مشترک با شهرسازی و سیما و منظر است و توجه به معماری بسیار کم شده است و همین‌طور دلیلش هم بیشتر به اعضا برمی‌گردد که دلایل زیادی نیز دارد. اعضا را ببینید به‌غیر از وزارت مسکن و شهرسازی و سپس سازمان میراث فرهنگی که اول عضو وزارت ارشاد بوده است و بعدا میراث فرهنگی باز شد، غیر از این دو دستگاه بین ۱۱-۱۲ تا عضوی که حضور دارند دو تا دستگاه حرفی برای معماری دارند که طبیعتاً با این وضعیت حتماً خروجی معماری‌مان خیلی کم است و چون سؤال در مورد جایگاه یک‌بخش کردید من آن را واقعاً معماری می‌دانم چون خیلی از این لحاظ ضعیف هستیم و در مجموع هم عرض کردم که وضعیت بسیار شکننده است. شورا همان‌طوری که قوانین قوی دارد از آن طرف هم مخالف زیاد دارد اما در وضعیت فعلی خود اعضا نیز همان‌طور که من اطلاع دارم از فرایندهایی که طی می‌شود و از اینکه چرا این مصوبات این‌همه زمان برایش گذاشته می‌شود تا تهیه، بررسی و تصویب شود در نهایت چرا به اجرا در نمی‌آید، چرا خیلی از اهدافش دور است و بعضاً چرا تخلفات زیاد است؟ همین باعث می‌شود اعضا گله‌مند باشند و در نتیجه وضع فعلی شکننده باشد. امیدوارم این فکر از جانب من درست نباشد اگر در شرایط فعلی متولی این امام‌زاده توجه خاص به موضوع نکند و چیزهای دیگری در اولویتش باشند من به شدت برای تضعیف شورای عالی نگرانم و انشالله در سیستم مدیریت جدید جدا از اینکه اولویت‌هایی در بخش مسکن و... دارد مراقب باشد که حوزه‌ی شهرسازی و شورای عالی ضعیف نشود چون خیلی‌ها دوست دارند که شورای عالی زمین بخورد.

محمودی: آقای مهندس حمزه‌ای من اعتقاد دارم اگر یک‌نهاد یا سیستمی درست چیده شده باشد متولی اگر عوض شود تغییری نباید کند. خیلی‌ها معتقدند فلانی اگر فلان جا می‌رود خوب عمل می‌کند اگر جابه‌جا هم شود باز جای دیگر خوب عمل می‌کند. در این سیستم اعتقاد دارم که خود آن نهاد و سیستم شکل نگرفته است اگر سیستم و نهادی خودش شکل گرفته باشد هر متولی بیاید باید ادامه‌ی مسیر را بدهد. بنابه صحبتی که از آقای مهندس فرجامی شنیدیم که اعتقاد دارند وضعیت الان شکننده است و اشاره‌ای که کردند گفتند با وجود اینکه اسمش شورای عالی شهرسازی و معماری هست فقط ۲ معمار در رأی‌گیری حق دارند. جایگاه معماران و نتیجتاً چیزی که از معماری ایرانمان دیده می‌شود ضعیف است شما در مورد جایگاه واقعی آن در کشور چه اعتقادی دارید؟

حمزه‌ای: خوب من با توجه به اینکه معمار نیستم اجازه بدهید که سؤال شما را از منظر دیگری پاسخ دهم. در بخش سیاست‌گذاری کلان شورایی شهری و معماری یکی از چالش‌ها یا دغدغه‌هایی که من فکر می‌کنم با آن روبه‌رو است موضوع سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری است. در شکل طرح آمایش سرزمین می‌بینید غیر از تکالیفی که در آن قانون تأسیس شورایی شهری و معماری تعریف شد تکلیف دیگری برای شورایی شهری در جریان قانون تغییر نام وزارت آبادانی مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی دیده شد. در قانون تغییر نام وزارت آبادانی مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۳ وظیفه‌ای به وزارت مسکن و شهرسازی داده شد تحت عنوان تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده با توجه به عوامل محدودکننده از قبیل کمبود منابع آب و استفاده‌های مختلف از زمین و... از طریق تهیه طرح جامع سرزمین است. در حقیقت اینجا ما یک طرحی را قانون‌گذار تأیید کرده است تحت عنوان طرح جامع سرزمین و در تبصره ذیل این قانون اشاره می‌کند که طرح جامع سرزمین پس از تصویب شورایی شهری برای کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی در امر مربوط به آنها لازم‌الاجرا بوده و در تهیه و تنظیم طرح‌های شهری باید از آن متابعت شود، ملاحظه می‌فرمایید که در حقیقت نقش کلان شورایی شهری در اینجا بیشتر نمود پیدا می‌کند، اما نقش متمرکز تحت عنوان طرح جامع سرزمین همان‌طور که استحضار دارید هیچ‌گاه شکل نگرفت بلکه براساس مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۰۲/۰۹ شورایی اداری اصلاح شد و به‌چیزی تحت عنوان طرح آمایش سرزمین و شورای عالی اداری تبدیل شد که طرح آمایش سرزمین به معنای تعیین استراتژی‌های توسعه‌ی فضایی جمعیت و فعالیت در پهنه‌ی سرزمین توسط سازمان برنامه‌بودجه تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید و اینکه چه آیت‌هایی در این طرح آمایش هست را اشاره می‌کند. در حقیقت و در نهایت عنوان می‌کند که طرح جامع سرزمین دیگر نداریم بلکه تبدیل می‌شود به یک طرح آمایش سرزمین که شامل تعیین مناطق اولویت‌دار توسعه، توزیع استقرار فعالیت‌ها، تعیین چشم‌انداز اشتغال و توزیع آنها است که باید به آن پاسخ داده شود و سایر وظایفی که قبلاً برای آن تعریف شده بود را به شکل طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای توسط وزارت راه و شهرسازی تهیه شود و به تصویب شورایی شهری و معماری برسد، ما تا قبل از سال ۱۳۹۹ به خاطر طرحی که در ماده ۵ این مصوبه اشاره شده است چالش داشتیم، که انجام مطالعات پیش‌نیاز طرح کالبدی مادامی‌که توسط دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و قابل بهره‌برداری نشده است می‌تواند توسط وزارت مسکن و شهرسازی انجام گیرد و آن مطالعات پایه شامل این ۳ مورد است: تعیین مناطق اولویت‌دار، توزیع استقرار فعالیت و چشم‌انداز اشتغال که ما عملاً در طرح کالبدی ملی دنبال می‌کردیم و یک طرح یکپارچه بود ولی از زمانی که سازمان برنامه‌بودجه آمد و موضوعی تحت عنوان آمایش سرزمین را اجرا کرد. ما یک طرحی تحت عنوان طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای داریم، دغدغه‌ام این است که از آنها جداناپذیرند و با تیکه کردن این تکالیف که هیچ‌کدام پیش‌نیاز آن یکی نیستند و ارتباطشان در حقیقت یک رابطه‌ی رفت و برگشتی است و شما نمی‌توانید برای شهرها در یک طرح دیگر نقش تعریف کنید و حتی بعداً جمعیت را از طرح دیگری بگذارید، اینها دائم باید در مطالعات ما رفت‌وبرگشت داشته باشد وقتی که این اتفاق نمی‌افتد من به‌عنوان یک چالش جدی می‌دانم که در نهایت می‌تواند تأثیرات مخربی را برای شورایی شهری و وظایف کلانش به دنبال داشته باشد.

محمودی: آقای دکتر ایزدی صحبت ۲ بزرگواران را شنیدید، نگاه شما چیست؟ در حال حاضر واقعاً این شورایی شهری جایگاه خود را دارد؟

ایزدی: آقای دکتر همان‌طور که هر دو بزرگوار فرمودند شرایط از جانب نهادها و دستگاه‌های موازی و هم از جانب حرفه و

دانشگاه بسیار شکننده است. شما وقتی حرفه و دانشگاه را دخیل در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌کنید چه انتظاری دارید که تصمیم‌گیری‌هایتان مقبولیت داشته باشد. ما یک سال کمیته‌ای تحت عنوان اعتلای معماری راه انداختیم و از پیشکسوتی مانند آقای کلانتری در جامعه‌ی معماری تا جوان‌های معمار آمدند و کنار هم بحث می‌کردند تا راجع به مسائل معماری صحبت کنند که در آخر تعطیل کردند و کنار گذاشته‌شد با این حال اولین بار بود که کمیته‌ای تلاش داشت به‌طور خاص به‌مسائل معماری که به‌درستی آقای مهندس فرجامی آسیب‌شناسی کردند توجه کند، بچه‌ها خیلی دلگرم شده بودند به اینکه شورای شهرسازی بالاخره به موضوع معماری توجه می‌کند و ما را هم دخیل کرده است. من می‌خواهم بگویم که اگر ما خودمان در اساس نمی‌خواهیم جامعه‌ی حرفه‌ای، جامعه‌ی دانشگاهی، نهادهای غیرانتفاعی و نهادهای سازمان مردم‌نهاد را دخیل کنیم چه انتظاری باید داشته باشیم که آنها برای این شورا اعتبار قائل شوند. از طرف دیگر رقابت بین قوه‌ها است که آقای مهندس حمزه‌ای کار بسیار ارزشمندی برای آن انجام دادند. مصوبات شورا به همین ترتیب پشت سر هم در دیوان عالی نقض می‌شد و این یک اختلافی بین جایگاه شورای عالی شهرسازی، بین قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضاییه ایجاد کرد، خیلی بد است که یک شورای عالی یک مصوبه‌اش به‌راحتی توسط دیوان عالی لغو شود. می‌گویم آقای مهندس حمزه‌ای کار ارزشمندی را انجام دادند به این دلیل است که جلساتی را با حضار گذاشتند و موضوع و تصمیمات شورای شهرسازی را در جلسات متمادی توضیح دادند، واقعاً از آن به بعد از گفتگوهایی که ما با قوه‌ی قضاییه داشتیم به‌مراتب نقض مصوبات شورای عالی شهرسازی کاهش پیدا کرد و اینها توضیح می‌دهد که آیا شورای عالی شهرسازی برای نقض قوه‌ی مجریه، نقض قوه‌ی مقننه، نقض حرفه و نقض دانشگاه از جایگاهی که باید برخوردار است یا خیر یا تداخلی که آقای مهندس حمزه‌ای توضیح دادند بین ما و سازمان برنامه در مورد تهیه طرح جامع وجود دارد. در طی سال‌ها ما این جایگاه را ضعیف کردیم درعین‌حال که قانون خیلی مستحکم و ضروری‌ای دارد. شورای عالی اگرچه ۱۱۲ تا شورای عالی در کشور داریم دارد و این چند وقت در فضای مجازی فهرستش می‌چرخید ولی واقعاً در عرصه‌ی معماری و شهرسازی ما همین یک شورا را بیشتر نداریم، شورایی که لازم است به‌عنوان یک‌نهاد سیاست‌گذار ورود پیدا کند. به‌طور قطع این نشست شما یکی از اولین نشست‌ها در آسیب‌شناسی است، جایگاه مأموریت‌ها و کارهای این شورا باید توسط خود دولت و دستگاه‌های دیگر ادامه پیدا کند. نکته‌ی دیگر هم که می‌خواستیم خدمتتان عرض کنم خیلی جالب است آقای دکتر در این شورا که شورای فرابخشی است همه فکر می‌کنند به وزارت مسکن و شهرسازی می‌خواهند کمک کنند یعنی خودشان را عضو یا مأموری برای اجرای این سیاست‌ها نمی‌دانند، به این منظور که شورای شهرسازی دبیرخانه‌ی این شورا را دارد و حال وزیر هم رئیس شورا است، همه می‌آیند آنجا که تصویب‌شده است و وزارت راه و شهرسازی اجرایش می‌کند درحالی‌که این یک‌نهاد فرابخشی است و همه‌ی دستگاه‌ها باید مأموریت و وظیفه داشته باشند، اگر این رسالت توسط همه‌ی اعضا پذیرفته شود می‌توان گفت که این شورا جایگاه و وزارت خاص خود را پیدا کرده است.

محمودی: آقای دکتر ایزدی کلام آخرتان برای راهکار از همه‌ی این چالش‌ها چیست.

ایزدی: به نظر من ما باید درهایمان را به دور از نگاه‌های سیاسی، حزبی و حاشیه‌ها باز کنیم، آقای مهندس فرجامی ۴۰ سال است که دنیایی از تجربه هستند و من در همین یک ساعت هم کلی مطلب از ایشان یاد گرفتم، چرا کسانی که بار تجربه‌ای بالایی دارند را به یک دوره دعوت نمی‌کنیم تا در کنار آنها همفکری و آسیب‌شناسی کنیم و همیشه در حال تکرار اشتباهات گذشته‌ایم، این واقعاً سنگ بزرگی برای کشور است که هیچ‌وقت نمی‌خواهیم مسائلمان را به دور از حاشیه‌ها درست آسیب‌شناسی کنیم. آیا آن کمیته‌ی

اعتلای معماری برای اعتبار بخشیدن به معماری در کشور کار درستی بود؟ چرا نباید ادامه داد؟ من یکبار به یکی از دوستانم گفتم: مملکت ۲۰ سال برای من هزینه کرده که در حوزه بازآفرینی شهری درس بخوانم و کارکنم و در مقابل هیچکس از من در این امر حوزه‌ی بهسازی و نوسازی حوضه شهری که تا این حد هزینه شده است حتی یک سؤال هم نپرسید تا من پاسخگو باشم، من پست نمی‌خواهم ولی به نظر می‌آید که گام اول این است که ما از صاحبان اندیشه و از کسانی که در این عرصه خاک خوردند بتوانیم استفاده کنیم و یک آسیب‌شناسی درستی را انجام دهیم و بر پایه‌ی آن آسیب‌شناسی مسیر و جایگاهمان را اصلاح کنیم. خود عزیزان را از مجلس بیاوریم و بگوییم شما بانی اصلاحات باشید چون این آسیب‌ها وجود دارد نه اینکه شما در تقابل ما باشید، از قوه‌ی مقننه بخواهید و از قوه‌ی قضاییه بخواهید که پشتیبانی کار و اجرای ما را در قوه‌ی مجریه پیاده کنند. این‌ها به نظر من راهکارهایی است که باید از روی همدلی و رفاه وجود داشته باشد درحالی‌که ما برعکس هستیم و یعنی چیزی به نام همدلی و رفاه وجود ندارد یعنی خودمان بین معلمان در دانشگاه، بین حرفه‌ای‌ها و بین دولتی‌ها هستیم و این آسیب بزرگی است.

محمودی: آقای مهندس حمزه‌ای به نظر شما چه راهکاری برای این چالش‌ها وجود دارد؟

حمزه‌ای: من کاملاً با آقای دکتر ایزدی موافقم و این جلسه و گفتگو شما را هم به فال نیک می‌گیرم و امید دارم تداوم پیدا کند و در نهایت به نتیجه‌ای برسیم.

محمودی: آقای مهندس فرجامی کلام آخر را شما بفرمایید.

فرجامی: ما این مباحث را در سؤال قبلی شما گذراندیم اما دوستان می‌دانند که ما اواخر سال ۱۳۹۹ که همین چند ماه پیش سند ملی آمایش سرزمین تصویب شد، تعیین تکلیف شد و دیگر طرح جامع سرزمین نداریم بلکه طرح آمایش ملی داریم و در آنجا دستگاه‌ها مسئولیت‌شان تعیین شده است و البته در آن به طرح کالبدی ملی و طرح‌های منطقه‌ای و... تعرضی نشده است اما بعضی از موضوعات ذکر شده است که باید در شورایی عالی آمایش به تصویب برسد و با آیین‌نامه ماده ۵۴ هم این موضوع را عنوان کردیم. از نظر من حرف آخر را بخواهم بگویم اگر یک آدم جسور پیدا شود که وفا به کار و این تداخل مسئولیت‌های بین وزارتخانه‌های راه و شهرسازی کشور و سازمان برنامه را حل کند خوب است. طرحی که نماینده‌ها داده بودند طرح تفکیک از جهاتی خوب بود در حالی‌که ایرادهای دیگری داشت. وزارت مسکن، شهرسازی و آمایش سرزمین که این‌چنین اسمی گذاشته بودند و در دل طرح هم مسئولیت‌های وزارت کشور در حوزه‌ی شهرسازی همه را برای وزارت جدید گرفته بودند و به هر جهت رأی نیارود و یک آدم پا به کار می‌خواهد که این تداخل‌ها را بگیرد، زمانی که این تداخل‌ها وجود دارد به نظر من خیلی مشکل خواهیم داشت و ایجاد نظام‌های مرکز پایش هم در کنار شورای عالی حتماً می‌تواند این نهادسازی را انجام دهد، خیلی می‌تواند کمک کند، امیدواریم کسی پیدا شود و بتواند این کار را در راستای آیین‌نامه ماده ۵۴ انجام دهد. از شما خیلی تشکر می‌کنم برای خود من این نشست هم درس بسیار خوبی بود و مطالب زیادی داشت.

محمودی: من شما سه بزرگوار تشکر می‌کنم که با وجود اینکه مسئولیت‌هایی را داشتید و دارید ولی خیلی حرفه‌ای و صادقانه صحبت کردید و اصلاً بحث‌ها سیاسی نشد و خیلی واقعی فرمودید. امیدوارم این میزگردها ادامه پیدا کند و تشکر می‌کنم از شما بزرگواران آقای دکتر ایزدی عزیز، آقای مهندس حمزه‌ای و آقای مهندس فرجامی که در نشست یک‌صد و شصت و نهمین اندیشکده‌ی هرمپی در تاریخ پنجشنبه بیست‌ونهمه ماه، که از اینستاگرام، مجله ایوان، تلگرام اندیشکده‌ی هرمپی، آپارات و یوتیوب پخش می‌شود حضور پیدا کردید.

باسپاس